زائران ایرانی از مرز شلمچه بازگردانده شدند

رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و ارتباطات نیروی انتظامی گفت: تعدادی از زائران ایرانی که برای شرکت در مراسم اربعین قصد سفر به عراق را داشتند و به مرز شلمچه مراجعه کرده بودند، به کشور بازگردانده شدند. به گزارش خبرگزاری پلیس؛ سرهنگ احمد خسروی در تشریح این خبر گفت: روز جمعه حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از زائران اربعین برای خروج از مرز ایران به عراق وارد مرز شلمچه شدند که با وساطت مأموران نیروی انتظامی و در آرامش کامل به کشور بازگردانده شدند.

وی گفت: نیروی انتظامی از مردم تقاضا دارد با توجه به این‌که دولت عراق اعلام کرده هیچ گونه پذیرشی برای مراسم اربعین ندارد، برای ورود به خاک عراق مراجعه نکنند زیرا همه مرزهای این کشور تا اطلاع ثانوی بسته است.

با توجه به شیوع بیماری همه‌گیر کووید - ۱۹ و انتشار جهانی ویروس کرونا، دولت عراق اعلام کرده شهرهای کربلا و سایر شهرهای زیارتی این کشور امسال تا اطلاع ثانوی و به ویژه برای مراسم اربعین هیچ‌گونه پذیرشی برای زائران ندارد.

دیدار مادر و دختر بعد از ۱۹ سال

زن ۲۲ ساله که بعد از جدایی والدینش ۱۹ سال مادرش را ندیده بود به کمک پلیس تهران موفق به ملاقات با او شد. مینا ۲۲ ساله است و دختری خردسال دارد. بعد از جدایی والدینش ۱۹ سال از مادرش خبری نداشت تا این‌که چند روز پیش توانست از طریق پلیس و دادسرای جنایی تهران بعد از یک هفته تلاش، مادرش را پیدا کند. با زن جوان به گفت‌وگو نشستیم و او از ۱۹ سال جدایی و روز وصال گفت.

از جدایی والدینت بگو.

تنها فرزند مشترک آنها و سه ساله بودم که به خاطر اختلاف خانوادگی جدا شدند. هیچ خاطره و تصویری از آن زمان از مادرم در ذهنم نیست.

در این سال‌ها دنبال مادرت بودی؟

دوست داشتم دنبالش بروم اما رد و نشانی از او نداشتم. پدرم و خانواده‌اش از او برایم حرف نمی‌زدند. چند سال نزد خانواده پدرم بودم و وقتی پنج ساله شدم پدرم ازدواج کرد و به خانه جدید رفتیم و برادر و خواهر ناتنی دارم. همیشه قلبم برای مادرم می‌تپید و دوست داشتم برای یکبار هم شده او را ببینم.

چه شد تصمیم گرفتی او را پیدا کنی؟

هر چند رفتار نامادری‌ام در این سال‌ها خوب بود اما جای مادرم در زندگی‌ام خالی بود. موضوع را به شوهرم گفتم و او کمکم کرد که شکایت کنیم تا مادرم را پیدا کنم. فقط نام، نام خانوادگی و تاریخ تولد مادرم را داشتیم. بعد از چهار روز از طریق ثبت‌احوال فهمیدیم او زنده است و روزنه امیدی برایم باز شد. چند روز بعد پلیس خبر داد مادرم را یافته و روز بعد قرارملاقات‌مان را گذاشتند. آن شب تا صبح نخوابیدم و هزاران سوال و فکر و خیال در ذهنم بود.

از روز ملاقات بگو.

حس عجیبی داشتم، دوست داشتم در اتاق پلیس که باز شد با مادری پر از احساس و عشق روبه‌رو شوم اما این طور نشد و زنی را روی صندلی دیدم بدون احساس که حتی به سختی همدیگر را ملاقات کردیم. می‌خواستم همه ۱۹ سال دلتنگی را در همان لحظات برایش بگویم. احساسی نداشت و می‌گفت شوکه‌ام. او ازدواج کرده و دختری خردسال و پسری نوجوان داشت. مادرم می‌گفت دو بار رفته محله قدیمی‌مان مرا پیدا کند اما نتوانسته بود. در این مدت که او را پیدا کردم، چندبار از طریق واتس‌اپ حرف زدیم، یکبار در پارک همدیگر را دیدیم و در قرار بعدی دخترم را که نوه‌اش بود، بردم. او هیچ احساسی نسبت به نوه‌اش نداشت و از من خواست مثل قبل به زندگی‌ام ادامه دهم.

کوهنورد جوان به طرز مرموزی در کردکوی ناپدید شد

برمودای جنگل کردکوی

لیلا حسین‌زاده

حوادث

هنوز طعم خوش خبر پیدا شدن سردار، پسربچه چهارساله‌ای که چندی پیش در جنگل‌های گالیکش استان گلستان مفقود و بعد پیدا شد، زیر زبان و در ذهن‌مان بود که این بار خبر مفقود شدن معین شریفی، کوهنورد ۳۶ ساله کردکویی، دوباره یاد و خاطره سها رضانژاد، دختر کوهنورد که مدتی پیش مفقود و سپس جسدش در جنگل‌های گلستان پیدا شد را زنده کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، ماجرای گم‌شدن معین به عصر سه‌شنبه ۲۵ شهریور برمی‌گردد؛ به‌روزی که تصمیم گرفت برای کوهنوردی به جنگل‌های کردکوی برود و پس‌ازآن دیگر هیچ‌کس او را ندید. از آن روز، گروه‌های مختلف امدادی استان گلستان، جست‌وجو برای یافتن او را آغاز کرده‌اند، اما تا عصر ۲۸ شهریور، هنوز رد و اثری از این کوهنورد جوان پیدا نشد.

ابراهیم قدمنان، فرماندار کردکوی بابیان این‌که معین شریفی جوانی ورزشکار و مسلط به کوه‌پیمایی است، گفت: روزی که کوه‌پیمایی می‌کرد، تنها بود و پس از چند روز جست‌وجو، هنوز خبر جدیدی از او به‌دست نیامده است.

معاون سیاسی امنیتی استاندار گلستان نیز در تکمیل صحبت‌های قدمنان افزود: نهادهای امنیتی در حال جست‌وجو برای پیدا کردن این کوهنورد کرد کویی هستند. البته تاکنون ضرورتی برای ارائه این اطلاعات به هلال‌احمر احساس نشده است، اما این آمار در موعد و زمان مقتضی توسط نهادهای نظامی و امنیتی به هلال‌احمر داده می‌شود. ضمن این‌که جست‌وجو در روزهای آینده تشدید خواهد شد.

جست‌وجوی ۱۷ گروه عملیاتی

درعین‌حال سیدرحیم میرکریمی، معاون امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر گلستان در گفت‌وگو با خبرنگار جام جم در خصوص آخرین وضعیت جست‌وجوی این کوهنورد می‌گوید: «۱۷ گروه عملیاتی با همکاری تیم هیأت کوهنوردی کردکوی به همراه سگ‌های تجسس، عملیات جست‌وجو را ادامه می‌دهند، اما تا عصر جمعه موفق به پیدا کردن او نشده‌اند. ضمن این‌که تیم امداد و نجات، شعاع جست‌وجو را از نقطه‌ای که خودروی این کوهنورد دیده‌شده، به اطراف گسترش داده‌اند تا شاید بتوانیم او را پیدا کنیم.»

وی در پاسخ به این سوال که آیا خانواده این کوهنورد اطلاعاتی در اختیار گروه امداد و نجات قرار داده‌اند که منجر به پیدا شدن او شود، ادامه می‌دهد: «تنها شاگرد مغازه به ما گفته است ساعت ۱۶ و ۵۸ دقیقه همان روزی که این کوهنورد مفقود شد، تماسی برقرار شد و غیرازاین، اطلاعات جدیدی که ما را به موقعیت احتمالی این کوهنورد نزدیک کند در اختیار نداریم.»

دستگیری ۳ مظنون

درحالی‌که تیم جست‌وجو و امداد و نجات استان گلستان چند روز است به‌دنبال معین می‌گردند، رئیس پلیس آگاهی گلستان از دستگیری سه فرد مشکوک در پرونده مفقود شدن این جوان ۳۶ ساله در جنگل‌های کردکوی خبر داد و گفت: معین مغازه عسل فروشی در کردکوی دارد و بر اساس اظهارات دوستان و افراد محلی، پیاده‌روی در مسیر اصلی جنگل، یکی از عادات این کوهنورد بوده است.

به گفته مجتبی مروتی، معین در آخرین تماس خود گفته تا ساعتی دیگر به خانه برمی‌گردد، اما این اتفاق نیفتاد و خانواده او چند روز پس از مفقود شدن این کوهنورد و در شرایطی که تلفن همراهش خاموش شده بود، موضوع گم‌شدن او را به پلیس اطلاع می‌دهند.

با ورود تیم‌های امدادی و پلیس به پرونده کوهنوردی مفقودی کردکویی، تحقیقات در حال حاضر به این نقطه رسیده که معین روز حادثه و طبق برنامه روزانه، با خودروی شخصی خود برای ورزش کردن به ابتدای محور جنگلی درازنو کرد کوی رفته است، اما بعد از رسیدن به محل، او برای ورزش، خودروی خود را ترک کرده و از آن زمان دیگر هیچ خبری از این کوهنورد به‌دست نیامده است.

پلیس در بخش دیگری از تحقیقات خود به وجود اختلافات احتمالی میان این کوهنورد و برخی افراد مشکوک می‌شود که در این خصوص، سه نفر دستگیرشده‌اند و تحقیقات از آنان و جست‌وجوها برای یافتن معین همچنان ادامه دارد.

نجات معجزه‌آسا از عمق ۳۵ متری چاه

دمپایی‌ام فراموش نشود!

جوان ۲۱ ساله ایرانی خیلی خوش‌شانس بود که صبح جمعه ۲۸ شهریور، از یك سقوط مرگبار در چاه ۳۵ متری در خیابان آذربایجان تهران جان سالم به‌در برد و توسط آتش‌نشانان تهرانی و با کمترین میزان جراحت بیرون کشیده شد.

ساعت ۱۰ و ۴۶ دقیقه صبح بود که آژیر آتش‌نشانی تهران به‌صدا درآمد که نشان از وقوع یك حادثه داشت. محل حادثه، خیابان آذربایجان نرسیده به خیابان اردیبهشت بود. آتش‌نشانان پس از حضور در محل حادثه، با چاه عمیقی روبه‌رو شدند که جوانی در آن سقوط کرده بود.

جلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران در مورد این حادثه به جام‌جم می‌گوید: «پس از اعلام حادثه، بلافاصله دو ایستگاه اعزام شدند. محل سانحه، یك ساختمان در حال تخریب برای ساخت یك بنای جدید بود. در قسمت حیاط آن، چاهی به عمق ۳۰ تا ۳۵ متری وجود داشت که خشك بود. براساس اظهارات شاهدان، این فرد در حال عبور و جمع‌آوری ضایعات از این محل بود که به احتمال زیاد چاه را ندیده و به عمق آن سقوط کرده یا این‌که صاحبش روی آن را ایمن‌سازی نکرده است.»

در وهله اول، این طور به نظر می‌آمد که جوان با این سقوط جان خود را از دست داده باشد، اما آتش‌نشانان پس از ایمن‌سازی لازم و با استفاده از تجهیزات کامل وارد چاه شدند و فردی را که همه تصور می‌کردند، به دلیل سقوط در عمق این چاه فوت شده باشد، زنده و با کمترین آسیب جسمی و در حد خراشیدگی دست و پا از چاه خارج کردند.

ملکی با بیان این‌که سرعت سقوط این فرد به‌دلیل برخورد با دیواره چاه، کاهش پیدا کرده بود، در حالی‌که اگر این اتفاق نمی‌افتاد، جانش را از دست می‌داد، گفت: «این جوان در هر حال به قدری حالش خوب و سرحال بود که با پای خودش روی برانکارد اورژانس رفت.»

سخنگوی آتش‌نشانی تهران در ادامه صحبت‌هایش درباره برخورد بسیار جالب این جوان با همکارانش افزود: «معمولا وقتی افراد حادثه‌دیده جان سالم به‌در می‌برند، خدا را شکر می‌کنند، اما این جوان همان‌طور که توسط آتش‌نشان نجاتگر در حال بالا کشیده شدن بود، به آتش‌نشانی که پایین بود، گفته بود برادر، بی‌زحمت، دمپایی‌های مرا هم بالا بیاور. خدا را شکر آن‌قدر حالش خوب بود که حتی یادش بود دمپایی‌اش کف چاه افتاده است. به هرحال حادثه‌ای بود که به لطف خدا و به‌صورت معجزه‌آسا تمام شد.»

ملکی در پایان بیان کرد: «معمولا در پروژه‌های ساختمانی به‌خصوص پروژه‌های در حال تخریب و آغاز ساخت، ممکن است لوازم خانه در حیاط پراکنده شود که وضعیت نامناسبی ایجاد می‌کند و این وضعیت مانع از مشاهده خطرات پنهان توسط دیگران می‌شود. به مالکان ساختمان‌های در حال تخریب و احداث توصیه می‌کنیم در صورت وجود چاه در محل، دهانه آن را بپوشانند و دیگران را در صورت تردد در محل از وجود چاه و خطر سقوط در آن مطلع کنند تا خدای نکرده با حادثه ناخوشایندی مواجه نشویم.»

عشق ۲ پسر به دختر جوان رنگ خون گرفت

۹ سال سناریوپردازی برای فرار از قصاص

پسر جوان که پس از قتل دوستش با طرح ادعاهای دروغین روند رسیدگی به پرونده‌اش را طولانی کرده بود، پس از ۹ سال از جنایت و رسیدگی علمی به پرونده‌اش از سوی قضات شعبه اول دادگاه کیفری استان البرز به قتل محکوم شد.

به گزارش خبرنگار کیفری جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از شامگاه ۲۲ تیر۹۱ و به دنبال گزارش قتل پسر جوانی در خانه‌اش در خیابان عدل محله حیدرآباد کرج در دستور کار پلیس قرار گرفت. زن جوانی که ماجرای قتل را به پلیس گزارش داده بود در تحقیقات گفت: پسر جوانی به نام مهران دوست نامزد سابق خواهرم به نام مهلا بود. امروز با خواهرم تماس گرفت و قرار بود برای صحبت در مورد موضوعی به خانه‌مان بیاید، اما نیامد و ما با او تماس گرفتیم که پاسخ نداد. به همین خاطر به موضوع مشکوک شده و به اینجا آمدیم که در آپارتمان باز بود و متوجه خون در آشپزخانه شده و همسایه‌ها را خبر کردم. بعد از ورود به خانه با جسد مهران در آشپزخانه روبه‌رو شدیم که پتویی روی آن انداخته بودند.

در ادامه تیم جنایی در محل حاضر شده و دریافتند پسر جوان از سوی قاتلی آشنا و با سه ضربه چاقو به پشتش به قتل رسیده است. با بررسی خانه مشخص شد، تلفن همراه او بعد از قتل سرقت شده که با ردیابی تلفن همراه مردی به نام شهاب دستگیر شد. او در تحقیقات مدعی شد تلفن را از دوستش به نام سعید گرفته است.

با دستگیری سعید مشخص شد، او نامزد سابق مهلا بود که چندی قبل از هم جدا شده بودند. او در تحقیقات مقدماتی ادعاهای مختلفی را مطرح کرد و مدعی شد در قتل نقشی نداشته اما در ادامه لب به اعتراف گشود و گفت: می‌خواهم واقعیت را بگویم. یک روز به خانه مهران رفته بودم که او به حمام رفت. تلفن همراهش زنگ خورد و عکس نامزد سابقم روی تلفنش ظاهر شد. آنجا بود که متوجه شدم او به من خیانت کرده و با مهلا ارتباط دارد. این موضوع آزارم می‌داد و تصور می‌کردم ورود او به رابطه من و مهلا باعث جدایی‌مان شده است. عصبانی شده و تصمیم به انتقام گرفتم. از او درباره رابطه اش با مهلا پرسیدم که منکر ارتباط با او شد و این مرا بیشتر عصبانی کرد و از آشپزخانه چاقویی برداشته و از پشت سر سه ضربه به او زدم.

ادعای جدید در دادگاه

با اعتراف متهم و تکمیل تحقیقات، برای او به اتهام قتل عمد و مشارکت در سرقت کیفرخواست صادر و پرونده‌اش برای محاکمه به دادگاه کیفری استان البرز ارسال شد. این در حالی بود که در این مدت او با ارسال نامه‌ای به دادگاه ادعاهای مختلفی را مطرح کرد و مدعی شد اعترافاتش دروغ بوده است. در جلسه رسیدگی به این پرونده که به ریاست قاضی قیومی و با حضور قاضی استکی برگزار شد، مادر مقتول برای قاتل پسرش درخواست قصاص کرد.

در ادامه رئیس دادگاه با تفهیم اتهام به سعید از او خواست از خود دفاع کند که او ادعای عجیبی را مطرح کرد و گفت: روز حادثه برادر مهلا که متوجه ارتباط پنهانی خواهرش و مهران شده بود سراغم آمد و از من خواست سراغ مهران برویم. وقتی وارد خانه مهران شدیم با او درگیر شد و با چاقو پسر جوان را کشت. بعد از این جنایت او از من خواست قتل را گردن بگیرم تا مهلا از مادر مقتول رضایت بگیرد. به خاطر علاقه‌ای که به مهلا داشتم قبول کردم اما چندی قبل متوجه شدم برادر او به استرالیا فرار کرده و برای کسب رضایت هم کاری نکرده‌اند. به همین خاطر در دادگاه واقعیت را می‌گویم.

پس از طرح این ادعا، پرونده دوباره به دادسرا بازگشت تا درباره ادعای متهم تحقیق شود که با بررسی دوباره موضوع این ادعا رد شد و قضات پنجشنبه پس از رسیدگی پایانی به پرونده، سعید را به اتهام قتل عمدی به قصاص و به اتهام سرقت به یک‌سال حبس و تحمل شلاق محکوم کردند.

ارثیه شوم پدر برای دو پسرش

مرد میانسال در جریان اختلاف برسر ارثیه پدری با برادرش، او را با شلیك پنج گلوله از پای درآورد. متهم ۱۸۰ دقیقه بعد از جنایت در خانه‌اش بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۲۳ شامگاه بیست و ششم شهریور امسال، مرد ۳۵ ساله‌ای همراه دوستان و چند نفر از همسایه‌ها مقابل مغازه نانوایی در شهرك صادقیه تهران ایستاده بود که ناگهان برادر ۴۵ ساله‌اش که سلاح شکاری به دست داشت، فریادزنان سمت او آمد و با وی درگیر شد. مرد جوان با دیدن برادرش که مسلح بود، ترسید و به مغازه نانوایی همسایه رفت. صدای شلیك گلوله آمد و دقایقی بعد مرد مسلح با تهدید اهالی در تاریکی شب فرار کرد. هنگامی که همسایه‌ها وارد مغازه شدند، مرد جوان را در حالی که پنج گلوله خورده بود، یافتند. جوان زخمی به بیمارستان شهدای یافت‌آباد منتقل شد، اما با وجود تلاش پزشکان فوت کرد.

این جنایت به مصطفی واحدی، بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران گزارش شد و با هماهنگی قضایی، ماموران کلانتری شهرك ولیعصر(عج) و تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران به محل اعزام شدند و در تحقیق از شاهدان که اهالی و چند نفر از اقوام مقتول بودند، دریافتند این دو برادر سر ارثیه پدری با هم اختلاف داشتند که این جنایت رقم خورده است.

متهم به قتل بعد از سه ساعت دستگیر و در بازرسی از خانه‌اش سلاح شکاری کشف شد. متهم درباره انگیزه‌اش گفت: مدتی قبل پدرم فوت کرد و خانه و مغازه‌ای به ما ارث رسید. بین من و برادرم بر سر این‌که ملك‌ها را اجاره دهیم یا بازسازی کنیم، اختلاف وجود داشت. این اختلاف و کینه باعث شد با تهیه اسلحه سراغش بروم و به او شلیك کنم. یك لحظه عصبانیت باعث شد برادرم را به قتل برسانم.

متهم به اتهام برادرکشی از سوی بازپرس شعبه یازدهم دادسرای جنایی تهران روانه بازداشتگاه پلیس آگاهی شد و تحقیقات از او ادامه دارد.

تلنگر

رسیدگی ویژه به پرونده عامل شهادت مامور پلیس

مرد سابقه‌دار که در جریان تعقیب و گریز، مامور پلیس تهران را به قتل رسانده بود، به صورت ویژه در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می‌شود.

به گزارش خبرنگار کیفری جام‌جم، در آخرین شب مرداد امسال دو مامور سرکلانتری چهارم تهران به راننده خودروی پرایدی مشکوك شده که او با دیدن ماموران فرار کرد. عملیات تعقیب و گریز آغاز شد تا این‌که راننده پراید پشت چراغ قرمز گرفتار شد و برای رهایی از دست پلیس، دنده‌عقب به سمت ماموران حرکت کرد و دو مامور پلیس را زخمی کرد که گروهبان یکم حامد ضابط به شهادت رسید. متهم نیز در محل دستگیر شد. متهم به قتل در جریان تحقیقات گفت: به شیشه اعتیاد دارم و با خودرو مسافرکشی می‌کنم. آن شب از آمل سه مسافر را به تهران آوردم. بعد شیشه کشیدم تا خوابم نبرد و دوباره به شمال برگردم که ماموران شك کردند و از ترس فرار کردم. چندی قبل به خاطر سرقت به زندان افتادم و زمانی که ماموران تعقیبم کردند، ترسیدم به خاطر همراه داشتن وسایل مصرف موادمخدر، دوباره به زندان بیفتم.

با درخواست اولیای دم برای متهم کیفرخواست صادر شد و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۵ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و متهم به‌زودی و به صورت ویژه محاکمه می‌شود.

فرجام درگیری ساموراییو ماشاءا...

دو گروه از اراذل و اوباش تهران که چهار ماه قبل در شرق تهران با هم درگیر شده بودند، پس از دستگیری در محل جرم چرخانده شدند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، این دو گروه که ساموراییو ماشاءا... نام دارند چهار ماه قبل به خاطر اختلاف قدیمی در محله استخر به

جان هم افتادند و با عربده‌کشی باعث ایجاد وحشت در میان اهالی شدند. در ادامه با حضور ماموران در محل، اوباش گریختند که در تحقیقات مشخص شد، عامل اصلی درگیری مردی معروف به ساموراییو است که تاکنون چند بار از سوی پلیس دستگیر شده است. او یك بار هم از دست ماموران فرار کرده و همراه همدستانش گریخته بود. با دستگیری اوباش و دستور قضایی، روز پنجشنبه اعضای هر دو گروه در محل درگیری چرخانده شدند.

دستگیری سارقان خشن

فرمانده انتظامی استان قزوین از دستگیری دو نفر از اعضای باند سارقان طلا و جواهرات زنان در یك اقدام اطلاعاتی پیچیده و عملیات منسجم پلیسی خبر داد.

به گزارش جام‌جم، سردار مهدی حاجیان اظهار کرد: در پی انتشار کلیپی در فضای مجازی از سرقت طلا و جواهرات یك زن در قزوین که توسط چهار سارق صورت گرفته بود و تشویش اذهان عمومی و همچنین وقوع چندین فقره سرقت طلاجات از دیگر شهروندان، بلافاصله بررسی موضوع به صورت ویژه در دستور کار پلیس آگاهی استان قرار گرفت. با رصد اطلاعاتی، اقدامات فنی و تلاش شبانه‌روزی کارآگاهان، مخفیگاه سارقان در استان تهران شناسایی و پس از هماهنگی با مقام قضایی و مراقبت‌های نامحسوس پلیسی، ماموران در یك عملیات منسجم دو نفر از سارقان را در مخفیگاه‌شان دستگیر و به پلیس آگاهی استان منتقل کردند. متهمان در مواجهه با شاکیان و مستندات، به ۳۵ فقره سرقت طلا و جواهرات با تهدید از شهروندان در استان‌های قزوین، البرز و تهران اعتراف کردند.